

## متن پرسش

□ قصه‌ی تشییع شهدا، به‌خصوص سیدالشهدای انقلاب اسلامی، حرکتی عظیم در سنت فرهنگی شیعه است که بابی از معرفت را به روی انسان می‌گشاید. □ ما در «آینه‌ی تشییع» خود را بازمی‌یابیم؛ خودی که به وسعت یک تاریخ است. مواجهه‌ی ما با دیگران در تشییع، آن وسعت حضور و یگانگی ما را آشکار می‌کند. در آنجا خود را در عهد با انبیا و اولیا احساس می‌کنیم و در وسعت تاریخی خویش ادراک می‌شویم. □ این صحنه، غایت حضور انسان بر روی زمین است؛ یعنی پیدا شدن «خود تاریخی» انسان و آن وسعت ازلی و ابدی او؛ وسعتی که در یگانگی با حقیقت توحیدی می‌تواند حاصل شود. □ به تشییع حاج قاسم توجه کنید. آن تشییع چگونه به تعبیر حضرت آقا «باطن ملت را روشن کرد»؟ ما در صحنه‌ای قرار گرفتیم که از همه‌ی فاصله‌ها آزاد شدیم. هر کس را می‌دیدیم، گویا خود را می‌دیدیم. گویی فاصله‌ها برداشته شده بود و یگانگی را در نسبت با یکدیگر می‌چشیدیم. حضرت آقا فرمودند باطن ملت ایران آشکار شد. باطن، همان یگانگی میان مردم بود، هرچند در ظاهر تفاوت‌ها و فاصله‌ها وجود داشت. شهادت حاج قاسم و تشییع او، ظهور باطن ملت ایران بود. حال با این دید، آیا می‌توانیم به تشییع حضرت آقا بیندیشیم که چه وسعتی را باید انتظار کشید و تا کجا باید خود را مهیا کرد که خود را در آن وسعت احساس کنیم؟ آنچه در این تشییع آشکار می‌شود، پیدا شدن همین وسعت تاریخی است. راه کربلا و راهی که حضرت آقا با شهادتشان پیمودند، توحیدی را که در ذهن و باور ماست، در صحنه‌ای پیش روی ما می‌آورد که آن را «می‌یابیم». □ آیا غایت حرکت جمهوری اسلامی، پیدا شدن همین صحنه‌ی تشییع نیست؟ آیا نباید بیندیشیم که راهی که حضرت آقا پیمودند تا بابی از معرفت‌الله برای انسان‌ها بگشایند، در رخداد تشییع ایشان محقق می‌شود؟ باید خود را مهیا سازیم که این غایت را ادراک کنیم. در غیر این صورت، ممکن است مسئله‌ی تشییع را صرفاً پله‌ای برای رسیدن به چیزی دیگر بدانیم و نتوانیم حضور خود را در آن به درستی فهم کنیم و دچار غفلت شویم. □ کانال و سایت وارسستگی: □ <http://varastegi.ir> □ varastegi\_ir

## متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: دقیقاً نکته همان است که فرمودید که چگونه وقتی انسان ذیل اراده‌ی الهی در تاریخ خود وسعت خود را احساس کند، در آن تشییع تاریخی در مواجهه با دیگران، هرکس را، نفحه‌ای از نفحات الهی می‌یابد که گویا با او انس‌ی دیرین دارد و به یگانگی که یاران مهدی «عجل‌الله تعالی فرجه» مفتخر هستند، نظر می‌کند. آیا این نحوه حضور، همان حضوری نیست که

سخت بدان نیاز داریم، با سبکی که باید مخاطب ما با نظر به آن سبک متذکر تفکری باشد که گفتنی نیست؟ و باز باید به افقی که از طریق آن سبک می‌توان به آن اشاره کرد، بیندیشیم افقی که همچون جام جهان‌بین «حاضر» است ولی باید باز جلو رفت. «گفتم این جام جهان‌بین به تو کی داد حکیم؟ گفت آن روز که این گنبد مینا می‌کرد». حال مائیم و جام جهان بین انقلاب. موفق باشید